

بهره‌مندی از دعا برای رسیدن به جامعه سالم

محمدرضا فریدونی ضمن اشاره به کارکردهای مختلفی که ادعیه می‌توانند در جامعه داشته باشند، به نقش درمانگری ادعیه تاکید کرد و گفت:



محمدرضا فریدونی ضمن اشاره به کارکردهای مختلفی که ادعیه می‌توانند در جامعه داشته باشند، به نقش درمانگری ادعیه تاکید کرد و گفت: اگر کسی با خدای متعال انس گرفت چقدر در درمان روحی و روانی او اثر دارد و استرس‌هایش کاهش پیدا می‌کند؛ پس اگر بخواهیم جامعه سالمی داشته باشیم باید دعا را به متن جامعه ببریم.

به گزارش ای‌کنا، نشست «آفاق تربیتی ادعیه معصومین(ع)» صبح امروز ۲۹ بهمن، با سخنرانی محمدرضا فریدونی، استاد دانشگاه بوعلی سینا در فضای مجازی برگزار شد که گزیده آن را در ادامه می‌خوانید؛

مناجات و ادعیه میوه دو چیز است؛ یک، شناخت عمیقی که امام نسبت به خداوند دارد، چون کسی مثل امام به خداوند شناخت ندارد. دوم محبت نسبت به خداوند است. هرچه شناخت انسان عمیق شد و در کنارش محبت نسبت به خدا بود از ترکیب محبت با خدا و شناخت خدا دعا پدید می‌آید. دعا یعنی امام در ساعات خلوت خودش شناختی که نسبت به خدا دارد و تمنایی که نسبت به خدا دارد را یاد می‌کند لذا در بین ما دعاهایی از اهل بیت(ع) باقی مانده است. علمای ما سعی کردند این ادعیه را جمع‌آوری کنند که یکی از آنها صحیفه سجادیه است که سه امام در تالیف آن تاثیر داشتند. در جایی خواندم آیت الله بروجردی در برخی موارد فقهی به صحیفه سجادیه استناد می‌کردند. خوشبختانه در زمان ما آیت الله ابطحی تمام ادعیه‌ای که از پیامبر(ص) و ائمه باقی مانده را جمع‌آوری کرده است. خدای ادعیه خدای دوست داشتنی است.

بحث من این است که ادعیه چه ساحت‌هایی را به روی ما باز می‌کند و ما باید به آنها توجه کنیم. اگر به مناجات‌های اهل بیت(ع) توجه کنید درمی‌یابیم که ادعیه در گام نخست یک راه یک تجربه وجودی و ساحت ارتباطی با خداوند متعال است. اگر کسی به خدایی باور پیدا کرد همین باور کافی است یا اینکه باید با او ارتباط برقرار کند و او را وجدان کند؟ وقتی به ادعیه مراجعه می‌کنیم می‌بینیم خدایی که به ما معرفی می‌کند خدای دوست داشتنی است که باید با آن ارتباط برقرار کند. پس یک ساحت ادعیه این ساحت است.

افق دیگری که ادعیه به روی ما باز می‌کند این است که منبعی برای علم و دانش هستند. حقایقی که در قرآن کریم آمده لطیف شده و در یک فضای روحی محبتی در قالب الفاظ ادعیه درآمده است. معارف اهل بیت(ع) که همه علوم الهی در قلب آنها جریان پیدا کرده است در دعا آمده است لذا ما در میان ادعیه یکسری قواعد کلی عقلی داریم که باید به آنها توجه کرد. ادعیه صرف احساس نیست که معصوم کلماتی را از روس احساس گفته باشد و پیتشوانه عقلانی نداشته باشد. مثلاً همان برهان صدیقین که در فلسفه مطرح است در صحیفه سجادیه آمده است. بنابراین باید برای تفسیر خدا، تفسیر هستی و تفسیر انسان به صحیفه سجادیه مراجعه کرد. در همان اول صحیفه سجادیه، تفسیری که امام از انسان دارد این است که انسان موجودی است که حامد خداوند است. اگر کسی نعمت‌های الهی را نمی‌بیند از دایره انسانیت خارج می‌شود. تعبیری که ائمه(ع) از انسان دارند این است که انسان حقیقتی است که هویت تعلق به خدا دارد و از هر جهت به خدا محتاج است. بیش از دانشگاه اسلامی، به دانشگاه معنوی نیاز داریم.

سومین افقی که در ادعیه هست این است که به متون ادعیه به عنوان بینش متعالی نگاه کنیم یعنی ادعیه معرفی خاصی از خداوند دارند. سالیان سال هست که کتب اعتقادی برای دانشجویان تدوین شده و در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود ولی در این کتاب‌ها از ادعیه معصومین در تفسیر عالم و آدم استفاده نشده است در حالی که اصالتاً آنقدر که انسان تعلق محبتی به حق تعالی دارد، به آن مقدار نیست که تعلق عقلانی داشته باشد. عقلانیت مبنای هر چیزی است ولی ما با مخاطبی مواجه هستیم که باید از محبت خدا، از انس با خدا بیش از سایر مباحث به او بگوییم ولی آیا در این کتاب‌ها بین انسان و خدا ارتباطی برقرار می‌شود؟ چون ما نمی‌توانیم با این کتاب‌ها ارتباط برقرار کنیم می‌گوییم مخاطب مشکل دارد. خیر، شما خدا را دوست داشتنی معرفی نمی‌کنید. به نظر ما بیشتر از دانشگاه اسلامی به دانشگاه معنوی نیاز داریم که انسان‌ها را به معنویت دعوت کند. پس ما باید کتب ادعیه را به عنوان بینش متعالی معرفی کنیم.

در افق چهارم باید کتب ادعیه را به عنوان روش معرفی کنیم. ما چقدر عرفان‌های کاذب داریم؟ عرفان حلقه چقدر طرفدار دارد؟ ما نیامدیم به مخاطب خودمان بگوییم ادعیه یک روش سلوکی است. اگر کسی به من مراجعه کند و بخواهد منبعی پیدا کند که راه

خدا را برود و از نماز و روزه لذت ببرد و با ملکوت نماز و روزه آشنا شود معمولا کتاب شعر معرفی می کنیم و باورمان نشده است که ادعیه به ما روش می دهند. با این ادعیه چه افق هایی به روی انسان باز می شود؟ اگر کسی با این ادعیه انس گرفت تمام حقایق بر جان او می نشیند ولی متاسفانه از آنها یک روش سلوکی استفاده نکردیم. عرفان های کاذب تکنیک می دهند ولی متاسفانه ما نیامدیم از عرفانی که در متن روایات اهل بیت(ع) است روش سلوکی استنباط کنیم چون خواص هم به ادعیه توجه ندارند.

در افق پنجم به دعا به عنوان درمانگر نگاه کنیم. ما در زمانه خودمان توانسته ایم استرس و اضطراب را درمان کنیم؟ وقتی کسی انواع مشکلات را دارد، دعا و مناجات می کند چقدر آسودگی پیدا می کند؟ ما خودمان این تجربه را داشتیم. به تعبیر شهید چمران اشکی که از چشم سرازیر می شود عصاره حیات انسان است. اگر کسی با خدای متعال انس گرفت چقدر در درمان روحی و روانی او اثر دارد و استرس هایش کاهش پیدا می کند. اگر بخواهیم جامعه سالمی داشته باشیم باید دعا را به متن جامعه ببریم. دعا برای انسان مفلوک نیست و کسانی که بیشترین معرفت را به خدا دارند اهل دعا هستند.

در افق ششم به دعا به عنوان نماد وحدت ادیان نگاه می کنیم. در میان فرق اسلامی در مباحث کلامی اختلاف وجود دارد ولی کسی سر مسئله خدا جدال ندارد و با خدا انس گرفتن از نظر هیچ فرقه ای مشکلی ندارد. بنابراین دعا و مناجات می تواند نمادی برای وحدت ادیان و فرق شناخته شود.